

# دیپلماتهای ارمنی در دوران قاجار

دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی\*

ماند و پس از شکست، ناگزیر از امضای عهدنامه گلستان در ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ و دست کشیدن از هفده شهر قفقاز گردید و از هرگونه ادعایی نسبت به گرجستان و داغستان و مینگرلی و آبخازی و شیشنه (چچن) چشم پوشید. فتحعلیشاه در نتیجه ناآگاهی و خوشباوری می‌پنداشت که خواهد توانست باملايِمت و دوستی روسها را وادار به پس دادن بخشی از سرزمینها در قفقاز کند. از این رو در مه ۱۸۱۴ میرزا ابوالحسن خان شیرازی را با دوزنجیر فیل و هدایای گرانبها به روسیه فرستاد. ولی تلاشهای میرزا ابوالحسن به جایی نرسید. فتحعلیشاه نومید نشد و به تصور اینکه لویی ۱۸ پادشاه جدید فرانسه قدرت و نفوذ ناپلئون را دارد و می‌تواند به سود او نزد روسها اقدام کند در بهار ۱۸۱۶ يك شاهزاده ارمنی به نام داودخان زادوریان را که زبان فرانسه می‌دانست به پاریس فرستاد و از پادشاه فرانسه درخواست میانجیگری کرد. میرزا داودخان در ژوئن ۱۸۱۶ به پاریس رسید، اما لویی ۱۸ که خود دست‌نشانده متفقین بود، نمی‌توانست در چنین کار مهمی دخالت کند و نظر خود را به روسهای پیروز بقبولاند.

در دسامبر ۱۸۰۳ که فتحعلی‌شاه به ایروان رفته بود تا خانها و سرکردگان منطقه را به ایستادگی در برابر تجاوز روسها تشویق کند، داود خلیفه ارمنی کلیسای اچمیادزین که به تازگی از سفر ایتالیا و ملاقات با پاپ برگشته بود، شمه‌ای درباره عظمت ناپلئون و پیروزیهای درخشان وی در اروپا گفت و فتحعلی‌شاه را به نوشتن نامه‌ای به ناپلئون و همپیمانی با فرانسه تشویق کرد.

نامه فتحعلی‌شاه را دو بازرگان ارمنی پنهانی به فرانسه بردند و پاسخ آن را در فوریه ۱۸۰۴ به تهران آوردند. ناپلئون در نامه خود به برقراری روابط دوستانه میان دو کشور اظهار علاقه و پیشنهاد کرده بود که ایران و فرانسه از دوسو به روسیه حمله کنند و کار این دولت قلدر و زورگو را بسازند. مکاتبات ناپلئون و فتحعلی‌شاه - که در آرشیو وزارت امور خارجه موجود است - زمینه اتحاد دو کشور را فراهم کرد و به امضای عهدنامه فین کن اشتاین در ۴ مه ۱۸۰۷ انجامید.

شوربختانه در نتیجه تغییر سیاست ناپلئون و انتقاد پیمان تیلسیت با تزار روسیه، ایران در جنگ در قفقاز تنها

در دسامبر ۱۸۲۶ گراف نسلرود وزیر خارجه روسیه بوسیله مأموران مرزی به آگاهی سفیر ایران رساند که چون گفتگوهای مربوط به متارکه جنگ را فرماندهان نظامی دو کشور آغاز کرده‌اند، بنابراین آمدن وی به سن پترزبورگ ضرورتی ندارد و بدین سان جلو ورود داودخان به خاک روسیه را گرفت و داودخان به ایران بازگشت.

علت واقعی پاسخ منفی روسها این بود که در همان هنگام ژنرال یرمولوف سازمان نظامی خود را به سرعت اصلاح کرده و از تأخیر عباس میرزا در تصرف قلعه شیشه بهره گرفته و با نیرویی ۵۰ هزار نفری و تازه نفس دست به حمله متقابل زده بود. این یورش به شکستهای پی‌درپی و هزیمت ارتش ایران به سوی ارس و گشوده شدن تبریز به دست نیروهای روسی و سرانجام امضای عهدنامه ننگین ترکمان‌چای در ۱۰ فوریه ۱۸۲۸ انجامید.



میرزا تقی خان امیر کبیر در دوران سه سالهٔ صدارتش

● فتحعلیشاه در نتیجه ناآگاهی و خوشبختی می‌پنداشت که خواهد توانست باملايimt و دوستی روسها را وادار به پس دادن بخشی از سرزمینها در قفقاز کند. از این رو در مه ۱۸۱۴ میرزا ابوالحسن خان شیرازی را با دو زنجیر فیل و هدایای گرانبها به روسیه فرستاد. ولی تلاشهای میرزا ابوالحسن به جایی نرسید. فتحعلیشاه نومید نشد و به تصور اینکه لویی ۱۸ پادشاه جدید فرانسه قدرت و نفوذ ناپلئون را دارد و می‌تواند به سود او نزد روسها اقدام کند در بهار ۱۸۱۶ يك شاهزاده ارمنی به نام داودخان زادوریان را که زبان فرانسه می‌دانست به پاریس فرستاد و از پادشاه فرانسه درخواست میانجیگری کرد.

بنابراین به بهانه اینکه سفیر ایران استوارنامه ندارد، از پذیرفتن وی خودداری کرد و به نامه فتحعلی شاه پاسخی نداد.

ده سال بعد، در ژوئن ۱۸۲۶ که دوره دوم جنگهای ایران و روسیه بی‌اعلام رسمی جنگ آغاز شده و عباس میرزا با یورش به سپاهیان روس توانسته بود لنکران و طالش را آزاد و قلعه شیشه (شوشی) را محاصره کند، اهالی گنجه نیز قیام کردند، همه سربازان در پادگان روسی آن شهر را کشتند و ارتش ایران به آسانی توانست آن شهر را بگشاید و مورد استقبال اهالی آن قرار گیرد. قیام و شورش به سراسر نقاط مسلمان نشین قفقاز سرایت کرد و کوه‌نشینان داغستان سربازان روس را مورد حمله و کشتار قرار دادند. ایرانیان در ظرف سه هفته توانستند بیشتر نقاطی را که بر پایه عهدنامه گلستان به روسها تسلیم کرده بودند، به کمک اهالی محل پس بگیرند.

این پیروزیهای سریع نظامی باعث خوشحالی فراوان زمامداران ایران شد ولی چون فتحعلی شاه تجربه تلخی از ادامه دادن جنگ با روسها داشت تصمیم گرفت از پیروزیهایی که نصیبش شده بود بهره‌برداری و هر چه زودتر با روسها صلح کند. از این رو در اوت ۱۸۲۶ داودخان زادوریان را يك بار دیگر با عنوان سفیر فوق‌العاده به سن پترزبورگ فرستاد تا زمینه گفتگوهای صلح را فراهم کند.

به علت مخالفت ژنرال یرمولوف فرمانده سپاه روسیه در قفقاز با عبور داودخان، سفیر ایران ناگزیر شد از راه عثمانی و لهستان عازم مأموریتش شود. در استانبول داودخان با سفیر اتریش دیدار و از وی خواست اقدام کند تا دولت متبوعش میان ایران و روسیه میانجیگری کند. به پیشنهاد سفیر اتریش داودخان در ۱۷ اکتبر ۱۸۲۶ نامه‌ای به پرنس مترنیخ صدراعظم آن کشور نوشت و ضمن تشریح اختلافات ایران و روسیه تقاضا کرد دولت اتریش در این زمینه میانجیگری کند.

داودخان مدتی در استانبول منتظر پاسخ صدراعظم اتریش ماند ولی چون پاسخی نرسید، ناچار عازم لهستان شد تا از آنجا به سن پترزبورگ برود. او نامه‌ای هم از عباس میرزا خطاب به پرنس کنستانتین برادر تزار و نایب‌السلطنه لهستان داشت که میانجیگری وی را درخواست کرده بود.

قدری که در قوه داری زندگانی را برای آنها آسان کنی.» پیش‌بینی امیر درست بود و هیأت اتریشی پس از قتل امیر مورد بی‌اعتنایی قرار گرفت و به محض اینکه مدت قراردادشان به پایان رسید به خدمتشان پایان داده شد و روانه اتریش گردیدند.

جان داودخان در ۱۸۵۲ رایزن سفارت ایران در سن پترزبورگ شد و به روسیه رفت و در ۱۸۵۹ پس از پایان مأموریت به تهران بازگشت و چند ماه بعد از سوی ناصرالدین شاه حامل نشان درجه یک برای فرانسوا ژوزف امپراتور اتریش گردید. در بازگشت از وین نیز نشانی از امپراتور اتریش برای ناصرالدین شاه آورد و مترجم اول دربار شد.

از دیگر کارهای اصلاحی امیر کبیر تأسیس سفارتخانه‌های دائم در پایتخت‌های بزرگ جهان آن روز بود: لندن، سن پترزبورگ و قسطنطنیه. پس از کشته شدن امیر کبیر اقدام به گشایش سفارتخانه در دیگر پایتخت‌های اروپایی دنبال شد، ولی ناصرالدین شاه در فرستادن سفیر به کشورهای مسیحی با دشواری روبه‌رو شد. رجال سیاسی و کارمندان بلندپایه وزارت امور خارجه رغبتی به رفتن به مأموریت در کشورهای مسیحی نشان نمی‌دادند و از بردن همسرانشان به آن کشورها اکراه داشتند. از این رو ناصرالدین شاه ناچار شد از شخصیت‌های ارمنی و آسوری و حتی ایتالیایی استفاده کند که به زبانهای بیگانه مسلط بودند.



۱- نامدارترین سفیران ارمنی، میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله است که ۱۸ سال سفارت ایران در لندن را عهده‌دار بوده و برخی کسان او را «پدر مشروطیت ایران» خوانده‌اند. ملکم از ارمنیان جلفای اصفهان و پسر میرزا یعقوب (یاکوب) بود که اسلام آورده و به مقاماتی نیز رسیده بود.

ملکم در ۱۸۳۳ میلادی در جلفای اصفهان زاده شده و پدرش در ۱۸۴۳ او را در ده سالگی به پاریس فرستاده بود. وی از هشت دانش‌آموزی بود - مانند میرزا حسین خان سپهسالار و برادرش یحیی خان - که به هنگام صدارت حاجی میرزا آقاسی برای تحصیل در رشته‌های گوناگون به فرانسه، ایتالیا و روسیه فرستاده شدند و چند تن از آنان

● نامدارترین سفیران ارمنی، میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله است که ۱۸ سال سفارت ایران در لندن را عهده‌دار بوده و برخی کسان او را «پدر مشروطیت ایران» خوانده‌اند. ملکم از ارمنیان جلفای اصفهان و پسر میرزا یعقوب (یاکوب) بود که اسلام آورده و به مقاماتی نیز رسیده بود.

(۱۸۵۱-۱۸۴۸) از جمله اقدامات اصلاحی که به عمل آورد، تجدید سازمان ارتش بود. از آن رو که از رفت و آمدهای هیئت‌های نظامی فرانسوی و انگلیسی به ایران نتیجه‌ای به دست نیامده بود، امیر کبیر تصمیم گرفت یک مدرسه نظامی (پلی تکنیک) در تهران برپا و معلمان و مربیان نظامی از کشورهای بی طرف برای آموزش افسران و کارکنان در ارتش استخدام کند. بدین منظور طرح تأسیس دارالفنون را تهیه کرد و در تابستان ۱۸۵۱ جان داودخان ارمنی مترجم دربار را همراه با رفائیل خان آسوری به اتریش فرستاد تا از آن کشور که منافع مستقیم در ایران نداشت، شماری معلم و مربی نظامی استخدام کند.

دولت انگلستان که نمی‌خواست پای دیگر دولت‌ها به ایران گشوده شود دست به کارشکنی زد و کلنل شیل وزیرمختار آن کشور در تهران بسیار کوشید تا امیر کبیر را از این فکر منصرف کند؛ ولی امیر زیر بار نرفت و همین، وزیرمختار انگلیس را سخت ناخرسند کرد و سبب شد که کلنل شیل با ملکه مادر شاه و دیگر توطئه‌گران برضد امیر همداستان شود.

جان داود خان در وین ترتیب استخدام شش افسر اتریش را بعنوان مربیان نظامی داد و آن هیأت به ریاست کاپیتان کرشیش چند روز پس از برکناری امیر کبیر از مقام صدارت وارد تهران شد. امیر، جان داودخان را فراخواند و گفت: «به دستور من این نمسه‌ایهای بیچاره به ایران آمده‌اند. اگر هنوز مقتدر بودم وسیله آسایش آنها را فراهم می‌کردم. حال می‌ترسم به آنها بد بگذرد. تو سعی کن به

بعدها به مقامات بالا رسیدند.

ملکم در پاریس پس از پایان تحصیلات متوسطه به آموختن فیزیک و مهندسی رو کرد و پس از بازگشت به ایران در ۱۸۵۳، نخستین خط تلگراف را در ایران دایر کرد و در دارالفنون به معلمی و مترجمی پرداخت؛ سپس در ۱۸۵۵ مترجم وزارت امور خارجه شد و یک سال بعد در نوامبر ۱۸۵۶ در گرماگرم جنگ ایران و انگلیس بر سر مسئله هرات، همراه با هیأت نمایندگی ایران به ریاست فرخ خان امین‌الملک غفاری برای مذاکره درباره قرارداد صلح با انگلستان به پاریس رفت. آن گفتگوها به بسته شدن عهدنامه صلح پاریس در ۴ مارس ۱۸۵۷ و چشم‌پوشی ایران از هرگونه ادعا نسبت به هرات و افغانستان انجامید.

در این سفر ملکم که افکار آزادیخواهی داشت به عضویت سازمان فراماسونری درآمد و پس از بازگشت به ایران در اواخر صدارت میرزا آقاخان نوری، با اجازه ناصرالدین‌شاه، در تهران فراموشخانه را برپا کرد و شماری از اعیان و شاهزادگان و برخی از جوانان روشنفکر که در دارالفنون تحصیل می‌کردند وارد مجمع شدند و وی آنان را به آزادیخواهی و جمهوریخواهی فرا می‌خواند. فراموشخانه هفت سال به‌گونه پنهان دایر بود و داوطلبان ورود به مجمع و اعضای جمعیت مبلغی بعنوان حق عضویت می‌پرداختند و از آنان خواسته می‌شد که رازنگهدار باشند.

کم‌کم این راز پنهان آشکار شد و مطالب مطرح شده در انجمن به گوش ناصرالدین‌شاه رسید و از شنیدن آن بسیار نگران شد و بی‌درنگ فرمان برچیده شدن فراموشخانه و دستگیری اعضای آن را داد. در فرمان شاه آمده بود که در صورت تجدید فعالیت فراموشخانه، مجازاتهای سختی درباره مؤسسان و اعضای آن اجرا خواهد شد. بدین‌سان ملکم خان و پدرش میرزا یعقوب سازمان فراموشخانه را برچیدند و ناصرالدین‌شاه به دارالفنون بدگمان و یکسره از این مرکز علمی دلسرد شد. ملکم خان را نیز به بغداد تبعید کردند. ولی ملکم خان پس از چندی به پشتیبانی و پامردی میرزا حسین خان مشیرالدوله وزیرمختار ایران در عثمانی مورد عفو قرار گرفت و به استانبول رفت. ملکم

در سفارت ایران اقامت گزید و در نوامبر ۱۸۶۳ مأمور کنسولگری در مصر شد و به قاهره رفت ولی از این مأموریت دلشاد نبود و پس از چندی به استانبول بازگشت و میرزا حسین خان او را به سمت مستشار سفارت منصوب کرد. هنگامی که میرزا حسین خان در ۱۸۷۱ به صدارت رسید، ملکم را از استانبول فراخواند و مقام مشاور صدر اعظم را به او داد.

پیشرفتهای ملکم از هنگام سفارت و صدارت میرزا حسین خان آغاز گردید. یک سال بعد میرزا حسین خان به وی عنوان «سفیر کبیر کل فرنگستان» داد و با لقب ناظم‌الملک و نشان تمثال همایون از درجه اول به لندن فرستاد؛ ولی هنگامی که دانست درباره‌های اروپایی چنین سمتی را به رسمیت نمی‌شناسند و ملکم را نمی‌پذیرند، عنوان او را به وزیرمختاری در انگلستان تغییر داد.

یکی از مأموریت‌های ملکم این بود که درباره سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا با درباره‌های اروپایی گفتگو کند و قرار پذیرایی از شاه را با درباره‌های دیگر دولتها بدهد. ملکم این مأموریت را به خوبی انجام داد و در همه کشورهای اروپایی از شاه ایران پذیرایی با شکوه به عمل آمد.

ملکم از ۱۸۷۲ تا ۱۸۹۱ به مدت هجده سال وزیرمختار ایران در لندن بود و با مهارت و زیرکی گزارشهایی درباره وضع حکومت در انگلستان و حاکمیت قانون برای ناصرالدین‌شاه می‌فرستاد تا شاید او را به راه دادن آزادیهای سیاسی و اصلاحات در ایران بیندازد.

وی در ۱۸۷۸ از سوی دولت ایران مأمور شرکت در کنگره برلین شد و پس از پایان مأموریت به مقام سفیر کبیر،

● ملکم از ۱۸۷۲ تا ۱۸۹۱ به مدت هجده سال وزیرمختار ایران در لندن بود و با مهارت و زیرکی گزارشهایی درباره وضع حکومت در انگلستان و حاکمیت قانون برای ناصرالدین‌شاه می‌فرستاد تا شاید او را به راه دادن آزادیهای سیاسی و اصلاحات در ایران بیندازد.

فرستادند تا هرچه زودتر آن را با نمایندگان انگلیس مبادله کند.

پس از این مأموریت، نریمان خان به سرعت ترقی کرد و درجه سرتیپی افتخاری یافت. در ۱۸۵۹ که میرزا حسین خان مشیرالدوله (سپهسالار بعدی) وزیرمختار در دربار عثمانی شد، نریمان خان با سمت مستشار سفارت با وزیرمختار به استانبول رفت و جز مدتی که در ۱۸۷۳ کنسول ایران در مصر بود تا سال ۱۸۸۰ با سمت مستشاری آن سفارت خدمت کرد.

یک سال بعد نریمان خان به سمت وزیرمختار در اتریش منصوب شد و تا ۱۸۹۸ به مدت ۲۵ سال با داشتن لقب قوام السلطنه در آن سمت باقی بود. در اوت ۱۸۹۱ ناصرالدین شاه ساختمان راه شوسه از جلقا به تهران را با میانجیگری نظر آقا وزیرمختار در پاریس و نریمان خان وزیرمختار در وین به یک شرکت بلژیکی واگذار کرد. نریمان خان به تهران آمد و برای به امضای رساندن قرارداد تلاش بسیار کرد و سپس به محل مأموریتش برگشت و از این راه پول خوبی به جیب زد.

مخبر السلطنه در سفرنامه مکه می نویسد: «قوام السلطنه از ارامنه مهاجر مردی است دست و دل باز و

عنوان پرنس و لقب جناب اشرف دست یافت. ملک در طول سفارت در لندن برادر خود میکائیل خان را که درجه سرتیپی افتخاری داشت به سمت نایب اول سفارت گماشت و دو برابر خدمات شایانی به ناصرالدین شاه و دولت ایران کردند، ولی در اواخر مأموریت در لندن، میان ملک و میرزا علی اصغر خان اتابک صدراعظم وقت بر سر مسئله امتیاز بخت آزمایی اختلاف افتاد و اتابک ناصرالدین شاه را وادار ساخت حکم عزل ملک را در مارس ۱۸۹۱ امضا کند. ملک از بازگشت به ایران خودداری کرد و در لندن با کمک سیدجمال الدین اسدآبادی به انتشار روزنامه قانون دست زد که در شماره‌های آن از حکومت قانون و مشروطیت طرفداری می‌شد و آنها را پنهانی به ایران می‌فرستاد که تأثیر بسزایی در روشنگری جوانان ایرانی داشت.

پس از کشته شدن ناصرالدین شاه در مه ۱۸۹۶ و تاجگذاری مظفرالدین شاه، شاه جدید در ۱۹۰۰ برای نخستین بار به اروپا رفت. ملک در پاریس به حضور شاه رسید و وی را راضی کرد کاری به وی بدهد. مظفرالدین شاه او را ملقب به ناظم الدوله کرد و به وزیرمختاری در ایتالیا گماشت. آخرین مأموریت ملک نزدیک به نه سال طول کشید و وی در ۱۹۰۸ در ۷۷ سالگی در لوزان سویس درگذشت.

۲- نریمان خان قوام السلطنه پسر سلیمان خان سهام الدوله و برادر جهانگیر خان وزیر صنایع ناصرالدین شاه بود. او تحصیلات خود را در رشته نظامی در دارالفنون به پایان رساند و در ۱۸۵۲ به سمت نایب آجودانباشی منصوب گردید و پس از چندی چون به زبان فرانسه مسلط بود در شمار مترجمان وزارت امور خارجه درآمد.

در ۱۸۵۶ که جنگ ایران و انگلیس بر سر مسئله هرات آغاز شد و ناصرالدین شاه می‌خواست هرچه زودتر به این جنگ پایان دهد، نریمان خان به سمت نایب سفارت تعیین و همراه با فرخ خان امین‌الملک به پاریس فرستاده شد. پس از امضای عهدنامه پاریس در ۴ مارس ۱۸۵۷ فرخ خان نریمان خان را به تهران فرستاد تا عهدنامه را به امضای ناصرالدین شاه و صدراعظم نوری برساند. شاه و صدراعظم بی‌درنگ عهدنامه را امضا و بوسیله جهانگیر خان سرتیب برادر نریمان خان به بغداد

● آخرین سفیر ارمنی در دوران قاجار اوانس خان ماسیانیان ملقب به مساعد السلطنه بود که چند سال ریاست دارالترجمه وزارت امور خارجه را داشت و از ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۶ نایب اول سفارت ایران در برلین بود و در ۱۹۱۲ به وزیرمختاری در برلین رسید؛ ولی در ۱۹۱۵ که جنگ جهانی اول آغاز شده بود، از آن رو که آلمانیها به علت ارمنی بودن اوانس خان به او خوشبین نبودند، تغییر سمت او را از دولت ایران خواستند و دولت ایران اوانس خان را به تهران فراخواند.

خوش پذیرایی که عیوب ملکم را ندارد.»

۳- نظر آقا یمین السلطنه کاردار و سپس وزیرمختار ایران در پاریس هر چند از آسوریهای ارومیه بوده است، نامش بیشتر در شمار سفیران ارمنی در دوران قاجار آمده است. وی که از کارمندان بلندپایه وزارت امور خارجه بود در ۱۸۲۸ میلادی در ارومیه زاده شد و در جوانی به استانبول رفت و در مدرسه کشیشهای لازاریست به تحصیل پرداخت و پس از فراغت از تحصیل به تهران آمد و در مدرسه دارالفنون معلم تاریخ و جغرافیا شد.

نظر آقا در ۱۸۵۵ با سمت نایب دوم سفارت ایران در سن پترزبورگ به روسیه رفت و در ۱۸۵۹ که حسنعلی خان امیر نظام گروسی به وزیرمختاری در پاریس و لندن رسید، نظر آقا را با سمت نایب اولی همراه خود به پاریس برد و تا ۱۸۶۶ که امیر نظام با همه اعضای سفارت به تهران بازگشت، نظر آقا در پاریس بود و سپس در وزارت امور خارجه به کار پرداخت. سه سال بعد به جای یوسف خان مستشار الدوله به سمت کاردار در پاریس منصوب و روانه محل مأموریت شد. در ۱۸۷۳ کارداری او تبدیل به وزیرمختاری گردید و سالیان دراز وزیرمختار ایران در پاریس بود. نظر آقا در ۱۸۹۳ ملقب به یمین السلطنه شد و بر روی هم نزدیک به ۲۶ سال با سمت های گوناگون در فرانسه مأموریت داشت. نظر آقا در ۱۹۰۴ در پاریس درگذشت.

۴- آخرین سفیر ارمنی در دوران قاجار اوانس خان ماستیان ملقب به مساعد السلطنه بود که چند سال ریاست دارالترجمه وزارت امور خارجه را داشت و از ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۶ نایب اول سفارت ایران در برلین بود و در ۱۹۱۲ به وزیرمختاری در برلین رسید؛ ولی در ۱۹۱۵ که جنگ جهانی اول آغاز شده بود، از آن رو که آلمانیها به علت ارمنی بودن اوانس خان به او خوشبین نبودند، تغییر سمت او را از دولت ایران خواستند و دولت ایران اوانس خان را به تهران فراخواند.

اوانس خان در دوره ششم از سوی ارمنیان جنوب به نمایندگی در مجلس شورای ملی برگزیده شد، ولی يك سال بعد در شهریور ۱۳۰۶ به وزیرمختاری ایران در لندن منصوب گشت. این مأموریت پس از آن صورت گرفت که

● اوانس خان احاطه کاملی به زبانهای ارمنی، انگلیسی، فارسی، فرانسه و آلمانی داشت و ترجمه هایی که از نوشته های شکسپیر کرده است از جمله آثار برجسته ادبی در زبان ارمنی به شمار می رود. او همچنین برخی از آثار شکسپیر و سفرنامه برادران شرلی به ایران را به فارسی ترجمه کرده و بخشی از شاهنامه فردوسی را به زبان ارمنی به نظم در آورده است.

دولت شوروی ژاک داوتیان ارمنی را با سمت سفیر به ایران فرستاد و انگلیسیها برای اینکه ارمنیان را به سوی خود جلب و تعادلی در افکار آنان پدید آورند، به دولت ایران فشار آوردند که اوانس خان را به لندن بفرستد. اوانس خان تا شهریور ۱۳۰۸ در لندن انجام وظیفه می کرد و سپس وزیرمختار در ژاپن شد ولی در میانه سال ۱۳۱۰ خورشیدی به تهران فراخوانده شد و در راه بازگشت در شهر خاربین درگذشت.

اوانس خان احاطه کاملی به زبانهای ارمنی، انگلیسی، فارسی، فرانسه و آلمانی داشت و ترجمه هایی که از نوشته های شکسپیر کرده است از جمله آثار برجسته ادبی در زبان ارمنی به شمار می رود. او همچنین برخی از آثار شکسپیر و سفرنامه برادران شرلی به ایران را به فارسی ترجمه کرده و بخشی از شاهنامه فردوسی را به زبان ارمنی به نظم در آورده است.

۵- يك اوانس خان دیگر هم در وزارت امور خارجه خدمت می کرده که او نیز در زمره مترجمان بوده است. نامبرده از ۱۸۸۶ تا ۱۸۹۲ میلادی سمت کنسولی ایران در از میر را عهده دار بوده و سپس ملقب به منبع السلطنه شده و نزدیک به پانزده سال از ۱۹۰۲ تا میانه جنگ جهانی اول در ۱۹۱۶ نایب اول سفارت ایران در استانبول بوده و در همان سال در گذشته است.